

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۲۳

ماهیت حق بر تأمین اجتماعی در اسلام

۹۵

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

ماهیت حق بر تأمین اجتماعی در اسلام
زهرا میرزایی و همکار

علیرضا میرزایی^۱
زهرا میرزایی^{۲*}

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم و عضو هیات علمی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی، قم، ایران.
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی از پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

چکیده

حق بر تأمین اجتماعی بخشی از مجموعه سیاست‌های اجتماعی است که حیطة فعالیت آن نوسانات شدید درآمدی شهروندان جامعه است و هدف این نهاد در مواقعی که شهروندان دچار قطع یا کاهش شدید درآمدی می‌شوند، رهایی دادن آن‌ها از ترس و نیاز است. دولت‌ها با پیاده سازی نظام‌های تأمین اجتماعی مکلف به تأمین این حق هستند. در منظومه سیاست‌های اجتماعی اسلام که اهداف مهمی چون اجرای عدالت در آن تعقیب می‌شود سطح زندگی و وضعیت معیشتی مردم جایگاه ویژه‌ای دارد و به همین دلیل می‌توان ضرورت وجود تأمین اجتماعی را در این نظام از طریق اصولی همچون همبستگی اجتماعی، مسئولیت پذیری و ... توجیه ساخت. مسئله اصلی که این مقاله در پی اثبات آن است، این است که بر خلاف تمام نظام‌های تأمین اجتماعی که در آن تنها دولت‌ها در مورد وضعیت رفاه و معاش شهروندان مکلف هستند در اسلام علاوه بر دولت، همه شهروندان جامعه اسلامی نیز نسبت به وضعیت اقتصادی یکدیگر دارای تکلیف هستند. تفاوت دیگر نظام تأمین اجتماعی در اسلام با نظام‌های عرفی تأمین اجتماعی در تأمین مالی این نظام است. طبق الگوی اسلامی، بیشتر این منابع توسط مردم تأمین می‌شود و با وظایف شرعی آنها به هم تنیده شده است. این مقاله با بیانی تحلیلی در صدد ارائه مفهوم تأمین اجتماعی در اسلام و وجوه تمایز آن از نظام‌های دیگر است.

واژگان کلیدی: حق تأمین اجتماعی، رفاه، اسلام، همبستگی اجتماعی، مسئولیت پذیری.

Email: mirzaee@yahoo.com

* ایمیل نویسنده:

تأمین اجتماعی به عنوان یکی از ارزشمندترین دستاوردهای بشری است که سابقه ورود آن به نظام‌های حقوقی کشورهای جهان، چندان طولانی نیست. تأمین اجتماعی جزئی از نظام رفاه است؛ بدین معناکه مجموعه ایست از سیاست‌ها و اقداماتی که منجر به ایجاد احساس امنیت انسانی در افراد جامعه می‌گردد و آن‌ها را از ترس و نیاز احتمالی مالی در آینده می‌رهاند. تأمین اجتماعی به عنوان بخش واکنشی نظام رفاه، سازوکاری است که به فرد این اطمینان را می‌دهد که در شرایط قابل پیش‌بینی یا غیرقابل پیش‌بینی که منجر به قطع یا کاهش شدید درآمد وی می‌گردد، نظاماتی مقرر است که در آن شرایط بحرانی، وضعیت اقتصادی وی را ترمیم می‌سازد.

در نظام‌های حقوقی، حق بر تأمین اجتماعی تکلیفی است در زمره تکالیف دولت؛ بدین معناکه بر عهده دولت است در راستای ارتقای سطح زندگی شهروندان خود تا حد قابل قبول و درخور شان و کرامت انسانی بکوشد و پیاده‌سازی نظام تأمین اجتماعی یکی از بارزترین مصادیق این تلاش است. اما رویکرد اسلام به عنوان دینی که کرامت انسانی را مبنای بسیاری از فرامین خود قرار می‌دهد به مقوله رفاه و به تبع آن تأمین اجتماعی قابل تأمل است.

در این پژوهش تلاش می‌شود تا با بررسی مبانی و راهکارهای نظام تأمین اجتماعی در اسلام، ماهیت حق بر تأمین اجتماعی در رویکرد اسلامی تبیین گشته و مزایای آن نسبت به نظام‌های حقوقی فعلی برجسته‌تر گردد.

۱. مفهوم و ماهیت حق بر تأمین اجتماعی

حق بر تأمین اجتماعی جزئی از مجموعه حقوق رفاهی است. اصطلاح حقوق رفاهی، اصطلاحی است در گنجینه واژگانی عظیم حقوق بشر که تبیین آن منوط به تبیین مفهوم حقوق بشر است.

حقوق بشر عبارت از مجموعه امتیازات متعلق به افراد است که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت‌های لازم از آن برخوردار می‌باشند. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۲) حقوق بشر در یک تقسیم‌بندی مرسوم و پذیرفته شده به سه دسته یا سه نسل تقسیم می‌شود: حقوق نسل اول شامل حقوق مدنی و سیاسی؛ حقوق نسل دوم شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق نسل سوم شامل حقوق همبستگی از جمله حق بر توسعه، حق بر محیط زیست،

حق بر صلح و ...

حقوق نسل دوم یادشده در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (به عنوان اسناد جهانی حقوق بشر) و قوانین اساسی کشورها عبارتند از حقوق اقتصادی شامل حق داشتن حداقل رفاه یا امکانات معیشتی در زندگی، آزادی کسب و کار و حق مالکیت؛ حقوق اجتماعی شامل حقوق و آزادی‌های مربوط به کارگران، حق تأمین اجتماعی، حق حمایت از سلامت یا حق بهداشت، حق برخورداری از مسکن مناسب و حق تشکیل خانواده و زندگی با آن؛ حقوق فرهنگی شامل حق بهره مندی از آموزش، پرورش و فرهنگ، حق حفاظت از محصولات علمی، فرهنگی، هنری و غیره. هدف اصلی این نسل از حقوق بشر، پشتیبانی از انسان در برابر فقر، بیماری، بیکاری، بیسوادی و استقرار برابری، عدالت اجتماعی و در نهایت رسیدن به نفع عمومی است. (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۶۷)

حقوق رفاهی اصطلاحی است منطبق بر مفهوم حقوق اقتصادی، اجتماعی؛ بدین معنا که اگر حقوق نسل دوم بشر را به اعتبار هدف آن که تضمین حداقل‌های معیشتی و بالابردن سطح رفاه عمومی برای همگان است بکار بندیم، واژه حقوق رفاهی، واژه‌ای رسا برای این حقوق خواهد بود.

حق‌های رفاهی به مجموعه‌ای از تضمینات، امتیازات و حمایت‌های معیشتی، بهداشتی و آموزشی اطلاق می‌شود که شهروندان در پرتو مداخله حمایتی دولت‌ها از آنها بهره‌مند می‌شوند. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۵۱)

حق بر تأمین اجتماعی به عنوان یکی از حقوق مصرح در اسناد نسل دوم حقوق بشر، حقی بشری و رفاهی است و برای ترسیم ابعاد ماهیت آن شاید یکی از اساسی‌ترین اضلاع، رفاهی بودن و بشری بودن حق بر تأمین اجتماعی است که دولت‌ها مکلف به ایفا و تضمین آن هستند. بطور کلی این حق را می‌توان اینچنین تعریف نمود:

تأمین اجتماعی در واقع از دو کلمه تأمین و اجتماعی، تشکیل گردیده است. کلمه تأمین به مفهوم حمایت در مقابل خطرات، تعریف شده است و کلمه اجتماعی رابطه آن را با جامعه از ابعاد سنتی، تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی نشان می‌دهد. هرچند تعاریف مختلفی را حسب شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور می‌توان برای تأمین اجتماعی بیان نمود، اما مفهوم اصلی آن بدان معنی است که اگر در جامعه معضلاتی در کسب درآمد به عللی از قبیل بارداری، بیماری، حوادث (از کارافتادگی)، بیکاری، سالمندی (بازنشستگی)، فوت نان آور خانواده (بازماندگان) یا سایر موارد مشابه به وجود

آید در آن صورت حمایت از افراد جامعه از نظر تأمین یا جبران کاهش یا قطع درآمد به عهده نهاد تأمین اجتماعی گذاشته می‌شود. (پناهی، ۱۳۷۶: ۹۲)

با این وصف، حق بر تأمین اجتماعی به این معناست که شهروندان یک جامعه این حق را دارند که در مواقع سالخوردگی، از کارافتادگی، بیماری، بیکاری و یا هر شرایط دیگری که وضعیت درآمدی آنها را با نوسان شدید همراه سازد، از طرف دولت حمایت شده و دولت برای جبران کاهش یا قطع درآمد، اقدامات لازم نظام‌مند خود را در قالب خدمات بیمه‌ای و غیربیمه‌ای به شهروندان ارائه دهد.

۲. اسلام و تأمین اجتماعی

در بحث رابطه تأمین اجتماعی و اسلام توجه به یک نکته ابتدایی ضروری است و آن اینکه تأمین اجتماعی با این مفهوم مختار، طبیعتاً جایی در مباحث اسلامی ندارد؛ چراکه همانطور که اشاره شد تأمین اجتماعی و حق بر آن جزو مفاهیم جدیدی است که در سالهای اخیر وارد ادبیات حقوقی شده است. آنچه اهمیت دارد و باید در اندیشه اجتماعی اسلام در پی آن بود، مبانی توجیه کننده این حق برای شهروندان، عناصری که این حق را تشکیل داده‌اند و اهدافی اند که این حق در پی تأمین آن است، می باشد.

۲-۱. مبانی حق بر تأمین اجتماعی در اسلام

سیاست اجتماعی در اسلام جایگاه ویژه ای دارد. یکی از مهمترین دلایل، آنست که اسلام برای اجتماع و جامعه اسلامی، فارغ از افراد تشکیل دهنده آن نیز ماهیت و شخصیت قائل است و به همین دلیل است که بسیاری از مسائل اجتماعی در اولویت قرار می‌گیرد. استفاده از واژه "امت" در نصوص دینی اماره‌ایست بر این مدعا که اجتماع مسلمانان غیر از وجود تک تک افراد برای اسلام واجد اصالت و اهمیت است.

قرآن کریم غیر از آنچه که برای افراد هست، وجودی و عمری و کتابی و حتی شعوری و فهمی و عملی و اطاعتی و معصیتی برای اجتماع قائل است، مثلاً در باره عمر و اجل امت‌ها می‌فرماید: « برای هر امتی اجلی است که رسیدنش را نه می‌توانند جلو بیندازند و نه عقب.» (اعراف: ۳۴) و در باره کتاب خاص به هر امتی می‌فرماید: « و هر امتی به سوی کتابش خوانده می‌شود.» (جاثیه: ۲۸) و در باره درک و شعور هر امتی می‌فرماید: « عمل هر امتی را برای آن امت زینت قرار دادیم در نتیجه زشت را زیبا و زیبا را زشت می‌یابند.» (انعام: ۱۰۸) و در باره عمل بعضی از امت‌ها فرموده: « بعضی از امت‌ها دارای درکی صحیح‌اند.» (مائده: ۶۶) و در باره طاعت امت فرموده: « امتی است قائم و شب‌زنده‌دار

که آیات خدا را تلاوت می‌کنند. (آل عمران: ۱۱۳) و در باره معصیت امتها فرموده: «یعنی هر امتی در صدد بر آمد تا رسول خود را دستگیر کنند و با باطل علیه حق مجادله کردند تا شاید به وسیله آن، حق را از بین ببرند.» (غافر: ۵). (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۵۳)

حق بر تأمین اجتماعی در سیاست اجتماعی اسلام می‌تواند بر اساس مفاهیم و اصول پذیرفته شده و مورد اتفاقی اثبات گردد. آنچه اینجا به عنوان مهم مبانی به آن پرداخته می‌شود عبارت از چهار مبنای اصلی است: همبستگی اجتماعی، مسئولیت پذیری، نوع دوستی و عدالت.

۱-۱-۲. همبستگی اجتماعی

همبستگی اجتماعی عبارت است از احساس مسئولیت متقابل میان چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند؛ همچنین همبستگی می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری میان انسان‌ها یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آنها باشد. همبستگی حائز یک معنای اخلاقی است که متضمن وجود یک اندیشه، یک وظیفه یا الزام متقابل است. به زبان جامعه‌شناختی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگرند. (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۰۰)

همبستگی اجتماعی یکی از ویژگی‌هایی است که اسلام برای جوامع اسلامی لازم و ضروری می‌داند؛ ویژگی‌ای که بارها بر آن تاکید شده است و آن را منشا و مبنای بسیاری از کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی قلمداد کرده‌اند.

صریح‌ترین آیه‌ای که در قرآن به موضوع همبستگی اجتماعی اشاره دارد، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است.

«و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.»

در این آیه هیچ یک از ویژگی‌های انسانی به عنوان عامل همبستگی شناخته نشده است. عاملی که در این آیه مورد تاکید قرار گرفته است پیروی عقیدتی و التزام عملی به دین اسلام است و از همگی خواسته است که به ریسمان الهی چنگ زده و از هرگونه تفرقه پرهیز کنند. نکته مهم در این آیه این است که از مسلمانان خواسته شده، همگی بصورت همبسته و در قالب امت اسلامی بر محور دین اسلام و آموزه‌های آن، بصورت یک اجتماع

واحد جمع شوند و به ریسمان الهی چنگ بزنند. (حسامی، ۱۳۹۰: ۳۵)

اصل همبستگی در واقع ناظر است بر عدم تفرقه، اما در عین حال نفس وحدت ناشی از همبستگی موجب ایجاد الفت و انس در میان مسلمین می‌شود. به بیان دیگر وجود همبستگی اجتماعی می‌تواند گام اول در تحقق نظام تأمین اجتماعی در اسلام تلقی شود؛ همبستگی‌ای که به احساس مسئولیت هم در میان مردم نسبت به یکدیگر و هم در حکومت به عنوان نماینده جامعه اسلامی منجر می‌شود و این حس، آغاز راه همیاری در جامعه قلمداد می‌گردد.

۲-۱-۲. مسئولیت پذیری

دو ویژگی در انسان از بالاترین ویژگی‌هاست؛ تعهدباوری و مسئولیت شناسی، و عاطفه گستری و مردم دوستی. اساس روابط انسانی و انسانی شدن روابط فردی و اجتماعی، بر این دو محور استوار است و به مقدار رشد و نفوذ این دو ویژگی در فرهنگ تربیتی و اندیشه فردی و اجتماعی جامعه به سامانی درخور می‌رسد و در صورت ناشناخته بودن یا سستی در این باره، یا ناپاوری در این دو معیار، نابسامانی‌های گونه‌گون جامعه را فرامی‌گیرد و روابط اجتماعی را متزلزل و متلاشی می‌سازد. (حکیمی، ۱۳۸۹، ج ۸: ۲۵)

مسئولیت و همبستگی مفاهیمی به یکدیگر تنیده شده‌اند؛ با این حال باید گفت ایجاد حس مسئولیت پذیری افراد جامعه نسبت به یکدیگر و حکومت اسلامی به عنوان نماینده آنها از مهمترین عناصر شکل‌دهنده نظام تأمین اجتماعی در اسلام است. تا احساس مسئولیتی نباشد، گامی در راستای بهبود وضعیت افرادی که نیازمند رسیدگی‌های خاص هستند برداشته نمی‌شود.

رسول خدا(ص) می‌فرماید: «همه شما نگهبانید و همه شما در برابر آنانی که حقشان باید مراعات شود مسئولید.» (بخاری، ۱۹۸۱م، ج ۱: ۱۶۰؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۸۴)

این فرموده یکی از اصیل‌ترین شعارهای اجتماعی اسلام محسوب می‌شود؛ شعاری که بر مبنای آن مسئولیت‌پذیری وظیفه‌ای خطیر در نظام دینی تلقی شده است.

امام صادق(ع) از پیامبر نقل می‌فرماید: «هرکس شب را به روز برساند و اهمتامی برای حل امور مسلمانان نداشته باشد مسلمان نیست.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۶۳)

وجوب امر به معروف و نهی از منکر، وجوب ادای مالیات‌هایی چون خمس و زکات، وجوب اهتمام به امور مسلمانان و مومنان، وجوب شرکت در دفاع از حق و مرزهای کشور اسلامی و امثال اینها بهترین دلیل بر لزوم مسئولیت‌پذیری است. (قابل، ۱۳۸۳: ۴۹)

۲-۱-۳. نوع دوستی

نوع دوستی یکی از شریفترین احساسات آدمی است که ریشه در محبت و رافت انسانها دارد و حسی است که از فطرت انسان نشأت می‌گیرد. راهبردهای حمایتی تأمین اجتماعی در اسلام غالباً مبتنی بر همین مبناست؛ یعنی انگیزه اصلی توجه به وضع نابسامان محرومان و نیازمندان و تلاش برای تغییر وضعیت آنان، محبت و رافتی است که بین انسان‌ها نسبت به یکدیگر وجود دارد.

امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «شب جمعه‌ای بود که دیدم مادرم فاطمه علیها السلام در محراب عبادت ایستاده و پیوسته در حال رکوع و سجود است تا سفیدی صبح طالع شد و در طول این مدت شنیدم که برای مؤمنین و مؤمنات دعاء می‌فرمود و ابداً برای خودش دعایی نکرد، پرسیدم: مادر، چرا همان طوری که برای دیگران دعاء نمودی برای خود دعاء نفرمودی؟ فرمودند: فرزندم، اول همسایه را دریاب سپس اهل خانه را.» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۹۳)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «سه چیز است که هر کس یکی از آنها را به پیشگاه خدا آورد، خداوند بهشت را بر او واجب و حتمی می‌گرداند؛ انفاق در حال دشواری مالی، خوشرویی نسبت به همه اهل عالم و عدالت و انصاف.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۰۳)

در نامه ۵۳ نهج البلاغه بر نوع دوستی و مردم دوستی از بعد دیگری تأکید شده است. ایشان خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش ... زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند.»

۲-۱-۴. عدالت‌گرایی

عدالت‌گرایی را می‌توان یکی از اصیل‌ترین اهداف اسلام دانست؛ هدفی که به صراحت قرآن، در رسالت همه انبیا نیز لحاظ شده است: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.» (حدید: ۲۵)

اصل عدالت در مفهوم اسلامی، پایه اصلی توزیع ثروت و قلمرو اقتصاد است. مفهوم اسلامی عدالت در توزیع درآمد و ثروت، سهم افراد را در تولید ثروت جامعه نادیده نمی‌گیرد. اسلام نابرابری درآمد را جایز می‌شمارد زیرا تمامی افراد ویژگی‌ها، توانایی‌ها و تاثیرات اجتماعی برابری ندارند اما فقر و تنگدستی اجتماعی مطلوب جامعه اسلامی

نیست. از این رو عدالت توزیعی در جامعه اسلامی، پس از تضمین یک سطح زندگی مناسب برای تمامی اعضای جامعه، تفاوت در میزان ثروت با توجه به تطابق با سهم افراد در تولید ثروت و ارایه خدمات اجتماعی است. (موسی زاده، ۱۳۹۰: ۲۷۰ و ۲۷۱)

در روایتی از امام صادق (ع) عدالت و انصاف یکی از شدیدترین واجبات الهی معرفی شده است: «آیا خبر ندهم به تو از شدیدترین چیزی که خداوند آن را بر خلق خویش لازم گردانده است؟ انصاف نسبت به حق انسانها در برابر حق خویش و مشارکت و یاری برادران دینی و یاد خدا در همه حال.» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱۷)

عدالت یکی از مهمترین اولویت‌های اجتماعی در اسلام است و اصول اجتماعی مسلم دیگری همچون مهرورزی، تلاش برای رفع فقر و محرومیت، ایجاد امنیت روانی و محیطی برای افراد جامعه و ... همگی نتایجی هستند که از عدالت ناشی می‌شوند و خود نیز می‌توانند در زمره اصول توجیه کننده و مبنای تأمین اجتماعی قرار گیرند.

۲-۲. ماهیت حق بر تأمین اجتماعی در اسلام

همانطور که بیان شد حق تأمین اجتماعی از آغاز عمر خود همواره در زمره تکالیف دولت بوده است. در طبقه‌بندی‌های آکادمیک نیز حقوق تأمین اجتماعی در گروه حقوق عمومی قرار دارد؛ رشته‌ای که خود را موظف به برشمردن حقوق مردم و پاسداری از آن می‌داند. اما در اسلام تأمین اجتماعی چهره دیگری دارد؛ در تصویری که اسلام از جامعه آرمانی خود ترسیم می‌کند جایی برای فقر و بی‌عدالتی، تنزل از منزلت و کرامت انسانی و مخدوش شدن عزت نفس امت خود باقی نمی‌گذارد. بار گران این مسئولیت نیز طبعاً بر عهده دولت اسلامی خواهد بود اما نه به تنهایی؛ اسلام تمام مسئولیت تحقق این آرمان را تنها بر عهده دولت نمی‌نهد هرچند این نهاد را شدیداً در مقابل این مسئله مسئول می‌پندارد. اما در مقاطعی ممکن است انجام وظیفه دولتها در این زمینه با نوسان مواجه شود، چه بسا که دولتها در برهه‌هایی چنین امکانی را نداشته باشند و یا برفرض امکان از وظیفه خود سرباز زنند؛ عکس‌العملی که از ارباب قدرت چندان بعید نمی‌نماید. بدین جهت که اسلام، معطلی اداره اهم امور را جائز نمی‌داند، راه‌حلی طراحی می‌کند که نظامهای حقوقی از تجربه آن محرومند و آن مسئول و موظف شناختن افراد یک جامعه نسبت به یکدیگر است؛ گامی عملی و نظام‌مند در راستای همگانی کردن مسئولیت و در نتیجه رفع تدریجی چهره منحوس بی‌عدالتی از جامعه اسلامی که به موازات تکلیف دولتها قرار می‌گیرد و به معنی معافیت دولت از وظایف خود نمی‌باشد. به بیان دیگر نظام تأمین اجتماعی در اسلام شامل دو بعد عمودی و افقی است؛ بعد عمودی یا بعد عمومی

و حکومتی، آن تعهداتی است که دولتها نسبت به شهروندان دارند و بعد افقی یا بین فردی نیز شامل بخش مشارکتی تأمین اجتماعی است؛ به این معناکه شهروندان جامعه اسلامی نسبت به وضعیت یکدیگر مسئول و متعهدند.

۲-۲-۱. بعد عمومی و حکومتی حق بر تأمین اجتماعی

طبیعت انسان آنچنان نیست که از قدرت کار و خلاقیت در همه شرایط و برای همیشه در طول حیات خویش برخوردار باشد. فردی که به دلایلی کاری برای خود تعیین نکرده و بیکار است و یا به دلیل پیری و فرسودگی و از کارافتادگی قادر به تأمین زندگی خویش نیست و همچنین آنها که احتیاج به سرپرست دارند یا در راه ماندگان که با وجود داشتن امکانات مالی در شرایط عسرت قرار گرفته‌اند و نیز کسانی که دچار حوادث و سوانح شده و بیمار و نیازمند به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی هستند از چه راهی باید تأمین شوند. آیا در جامعه اسلامی هرکس تا زمانی که قادر به کار است حق حیات دارد و در شرایط ضروری باید افراد به حال خود رها شوند. دولت اسلامی مکلف است بر اساس قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی را در مواردی که ذکر شد برای یک یک افراد کشور فراهم کند و از طریق بیمه و غیره زندگی آینده افراد را تأمین کند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۷۰۱ و ۷۰۲)

در نظام اسلامی حکومت‌ها موظف به تأمین امورات زندگی مردم، از بین بردن فقر و افزایش سطح رفاه می‌باشند. در خطبه ۳۴ نهج البلاغه حضرت امیر(ع) آمده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ ، لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا ... ؛ ای مردم! همانگونه که من بر شما حقی دارم شما نیز بر من حقی دارید. حق شما بر من آن است که همواره در ارائه رهنمودهای خالصانه به شما بکوشم، در تأمین رفاه زندگانی همگانی تمامی وسایل ممکن را فراهم سازم و در تربیت و تعلیم همگان کوتاه نیایم و در نظارت بر رفتار و کردار شما در طریق حق پیوسته هوشیار و هشداردهنده باشم.»

در تحلیل این خطبه آمده است: فیء به معنای بهره‌وری از وسایل حیاتی و توفیر به معنای فزونی و گسترش منابع بهره‌گیری است. حضرت دومین وظیفه و تعهد دولت را در برابر ملت، تأمین رفاه زندگی همه مردم می‌شمارد که با ایجاد اشتغال و رونق دادن به کشت و کار و صنعت و تجارت و بالابردن سطح درآمدها و ریشه کن ساختن بیکاری میسر است. دولت عادل علاوه بر کوشش در تأمین بودجه لازم برای اداره کشور باید با تمام

توان خود در فراهم ساختن امکانات و رشد اقتصادی کشور بکوشد. (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰، ج ۵: ۱۸۹)

همچنین ایشان در نامه ۴۵ می‌فرمایند: «من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعامهای لذیذ بر گزینم، در حالی که در "حجاز" یا "یمامه" کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد، یا چنان باشم که شاعر گفت: "این درد تو را بس که شب را با شکم سیر بخوابی و در اطراف تو شکم‌هایی گرسنه و به پشت چسبیده باشند" آیا به همین رضایت دهم که مرا امیر المؤمنین علیه السلام خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم؟»

همچنین امیرالمؤمنین در خطبه ۱۰۵ نهج البلاغه می‌فرمایند: «همانا بر امام نیست جز آنچه از امر پروردگار به عهده او واگذار شده، کوتاهی نکردن در موعظت و کوشیدن در نصیحت و زنده کردن سنت و جاری ساختن حدود بر مستحقان و رساندن سهم‌های بیت المال به درخور آن.» در این خطبه بر اخراج سهم‌های بیت المال و رساندن آنها به صاحبانش تاکید شده است. این تکلیف الهی که بر رهبر جامعه است، برطرف کننده اساسی‌ترین نیاز زندگی انسان است که عبارت است از معیشت مادی او. (جعفری، ۱۳۸۲، ج ۱۸: ۲۶۵) رساندن سهم‌های بیت المال به مردم در جامعه بسیط آن روزگار، شکل ساده امروزی حقوقی است که مردم در منابع عمومی دولت دارند و یکی از مهمترین این حقوق آنست که در مواقع ناتوانی و یا نوسانات شدید درآمدی توسط دولت حمایت گردند.

همچنین حضرت امیر در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر، که مرانامه حکومت اسلامی محسوب می‌گردد در مورد طبقات مستضعف و نیازمند جامعه و همچنین گروههایی که نیاز به مراقبت دارند با تاکید فراوان می‌فرمایند: «سپس خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، [و عبارتند] از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است ... و تو مسئول رعایت آن می‌باشی... همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان

بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند سپس در رفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند، و حق آنان را به گونه‌ای پرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خردسال، و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند. و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است...»

نکته مهم در این خطبه آنست که بر رسیدگی به امور نیازمندی که اعلام نیاز نمی‌کنند اولویت داده شده است؛ به عبارتی خدمات تأمین اجتماعی در اسلام برای بیماران، یتیمان، کهنسالان و ... با اعلام نیاز آنان شروع نمی‌شود و این دولت است که مکلف به تفحص و یافتن افرادی است که مستحق دریافت یاری از دولت هستند و همین نکته نشان می‌دهد که نظام تأمین اجتماعی در اسلام، نظام‌مند است و با روش‌های ساده دستگیری از فقرا تفاوت داشته و مسئولیت دولت در شناسایی و رسیدگی به این افراد مسئولیتی اصیل و خطیر است.

حضرت سیدالشهدا(ع) در سرزمین منی به هنگام انتقاد از نظام طاغوتی معاویه متعرض این مسئولیت خطیر دولت و عواقب فراموش کردن این وظیفه شده‌اند و خطاب به بزرگان جامعه آن زمان می‌فرمایند: «عهد و پیمان رسول خدا(ص) خوار شده است. نابینایان و لالان و زمین گیرشدگان در همه شهرها بدون حمایت و کمک مانده‌اند و مورد دلسوزی واقع نمی‌شوند در حالیکه شما از منزلت و موقعیت خودتان برای کمک رساندن به آنان استفاده نمی‌کنید و کسی را هم که در این راه احساس وظیفه می‌کند مورد حمایت و کمک خود قرار نمی‌دهید و با چاپلوسی و سازش با ستمگران امنیت خود را فراهم می‌آورید.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق : ۲۳۸).

از تکالیف حکومت در مورد اجتماع اسلامی، ایجاد اصلاح و عدم اخلال در نظام اجتماعی است. این اجتماع صالح تأمین کننده امنیت همه جانبه افراد غیر برخوردار و فرو دست خواهد بود. امام علی(ع) در فرمان خود به مالک اشتر هنگامی که وی را به حکومت مصر می‌گماشت در مورد این مسئولیت دولت اسلامی فرمودند: «... وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا؛ و اهل آن(دیار) را اصلاح نماید...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق : ۱۲۶)

و در خطبه ۱۳۱ اصلاح جامعه اسلامی و برقراری امنیت اقشار آسیب پذیر از جمله

امنیت اقتصادی را اهداف حکومت خود برمی‌شمردند و می‌فرمایند: «در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند.» وجود این نصوص دینی تنها نمایانگر آنست که این مهم در مرکز توجه اسلام قرار داشته و معصومین علیهم‌السلام به عنوان متصدیان پیاده‌سازی فرامین اسلامی بر آن صحنه نهاده و تاکید کرده‌اند و امروزه نیز این دولتها هستند که متصدی پیاده‌سازی این فرامین می‌باشند.

۲-۲-۲. بعد بین فردی حق بر تأمین اجتماعی

بعد بین فردی حق بر تأمین اجتماعی در اسلام باز می‌گردد به ساختار جامعه اسلامی؛ در روایات متعددی جامعه اسلامی به عنوان یک خانواده یا تن واحد معرفی شده است. این نشان از لزوم همبستگی در میان امت اسلامی دارد که نتیجه لازم آن ضرورت حس مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به یکدیگر است، چیزی که از آن با عنوان تکافل یاد می‌شود. در واقع از دیدگاه اسلامی، تأمین اجتماعی بر دو پایه استوار می‌باشد؛ یکی اصل کفالت همگانی یعنی مسئولیت متقابل افراد نسبت به یکدیگر و دیگری اصل سهیم بودن جامعه در درآمدهای دولتی. اصل اول حاکی از لزوم تأمین حاجت‌های حیاتی و ضروری افراد است، در صورتیکه اصل دوم از این حد گذشته و سطحی بالاتر و مترقی را تضمین می‌نماید. (صدر، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۹۰) تأمین اجتماعی، بر اساس اصل مسئولیت متقابل (تکافل عام) از پایه‌های اصلی عدالت اجتماعی است که در آن، افراد مسئول حمایت از یکدیگرند و توانگران موظف به تأمین زندگی تنگدستان و درماندگان می‌باشند. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۸۳) در یک تقسیم‌بندی کلی، تکافل به دو قسم تقسیم می‌شود؛ تکافل به معنای عام که معادل و برابر با موضوع ضمانت و خدمات اجتماعی است که همه افراد جامعه در کنار حاکمیت در کنار هم مسئول هستند و تکافل به معنای خاص که معادل تأمین اجتماعی به معنای امرزین خود است. یکی از انواع تکافل اجتماعی، تکافل معاش است. تکافل معاش همان چیزی است که امروزه آن را تأمین و رفاه اجتماعی می‌نامند؛ مسئولیت اجتماعی همه افراد جامعه نسبت به فقرا و نیازمندان. (حاج حسینی، ۱۳۸۸: ۵۸ و ۵۹)

امام صادق(ع) از پیامبر(ص) نقل می‌فرماید: «مخلوقات خانواده خدایند؛ پس دوست داشتنی‌ترین موجود نزد خدا کسی است که به عیال خدا نفع رساند و خانواده‌ای را شاد و مسرور سازد.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۳۴۱)

همچنین در جای دیگری از امام صادق(ع) آمده است: «مومن برادر است؛ همچون یک بدن اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضای بدن آن درد را احساس می‌کنند.» (کلینی،

۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۱۶۶)

همچنین در موارد بسیاری درباره گروههایی که احتیاج به سرپرستی و رسیدگی خاص دارند مثل معلولان و بیماران و زمینگیران تاکیدات جداگانه‌ای آمده است. امام صادق(ع) می‌فرمایند: «عیسی مسیح چنین می‌گفت: کسی که از درمان بیمار سرباز زند با کسی که به او جراحی وارد آورده شریک است.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۳۴۵)

در جای دیگری از امام رضا(ع) آمده است: «خداوند متعال تندرستان را مکلف کرده است که به زمینگیران و مبتلایان برسند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۸۹)

در مورد یتیمان در قرآن آمده است: «... (در مقام نکوهش مردمان...) نه! شما یتیم را گرامی نمی‌دارید!» (فجر ۱۷)

همچنین در نامه ۴۷ نهج البلاغه در این زمینه آمده است: «خدارا! خدارا! درباره یتیمان، آنان را پیوسته سیر نگاه دارید و حقوقشان را ضایع نکنید.»

۲-۳. منابع تأمین مالی تأمین اجتماعی در اسلام

منابع مالی تأمین اجتماعی در اسلام از دو محل تأمین می‌شود؛ بخشی از طریق دولت و درآمدهای وی تأمین می‌شود که البته محدود است و همان راهکاریست که در بخش حمایتی تأمین اجتماعی در اکثر کشورهای جهان از آن استفاده می‌شود. و منبع دوم، منابع مالی مردمی است که بخش اعظم منابع مالی را تأمین می‌کند. هرچند نمی‌توان گفت دقیقاً، اما تا حدودی این منبع شبیه مالیات است در نظام‌های عرفی تأمین اجتماعی در کشورهایی که دارای نظام تأمین اجتماعی پیشرفته هستند. این منابع که از طرف دولت جمع‌آوری شده و هزینه می‌شوند یا ناشی از تکالیف شرعی و واجب هستند و یا ناشی از الزامات شدید اخلاقی. در واقع اصلی‌ترین منبع تأمین مالی تأمین اجتماعی در نظام اسلامی، توسط مردم و به شکل درون‌زا تأمین می‌شود و اگر افراد جامعه اسلامی به وظایف شرعی و اخلاقی خود به جا و به درستی عمل نمایند تا حد زیادی دیگر نیازی به منابع متفرقه نخواهد بود. این نیز اماره دیگری است بر اینکه بعد اصلی و پررنگ تأمین اجتماعی در اسلام بعد بین فردی آن است.

در واقع در رویکرد اسلامی سه راهکار برای تأمین و جمع‌آوری منابع مورد نیاز برای نظام رفاه و تأمین اجتماعی وجود دارد؛ راهکارهای الزامی، راهکارهای غیرالزامی و راهکارهای موقت.

۲-۳-۱. راهکارهای الزامی

منظور از راهکارهای اسلامی، دستوراتی دینی هستند که مسلمانان بر حسب تکلیف شرعی، موظف به پرداخت آن می‌باشند و پرداخت آن وجوهات در اصطلاح شرعی بر آنان "واجب" است. شاخص‌ترین، مهمترین و عمومی‌ترین مصادیق این وجوهات الزامی، عبارتند از زکات و خمس.

۲-۳-۱-۱. زکات

در فقه شیعه زکات به نه عنوان مالی تعلق می‌گیرد؛ چهارپایان سه گانه شامل شتر، گاو و گوسفند، غلات چهارگانه شامل گندم، جو، خرما و کشمش و همچنین طلا و نقره. (عاملی "شهیدثانی"، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۳ و ۱۴) یکی از اصلی‌ترین و مهمترین مصارف زکات بر اساس فقه شیعه، هزینه کردن این منابع برای رسیدگی به فقرا و مساکین است و مصارف دیگر آن نیز عموماً مصارف اجتماعی می‌باشد.^۳ زکات مصارف هشتگانه معینی دارد که از آن نمی‌توان تخطی کرد. حکومت اسلامی تنها می‌تواند نظارت بر تقسیم زکات بر این مصارف داشته باشد اما حق هیچگونه تغییری در آن مصارف را ندارد. قسمت مهم زکات باید صرف نیازمندان شود و طبقات محروم و کم درآمد و ازکارافتاده که قادر به تأمین هزینه‌های زندگی خود نیستند باید از این طریق تأمین شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱: ۱۳) با اعطای زکات، نوعی تضامن و تکافل اجتماعی بوجود می‌آید یعنی بیت المال تأمین مالی می‌شود و صرف موارد ضروری می‌گردد. با ملاحظه اینکه مستحقان زکات از جمله طبقه فقیر و مسکین و ... می‌باشند لذا می‌توان زکات را دارای یک هدف اجتماعی با رنگ و صبغه دینی و الهی دانست. (شعبانی، ۱۳۷۵: ۱۲۲) بنابراین یکی از مهمترین محل‌های تأمین مالی در اسلام که یکی از موارد مصرف مهم آن رسیدگی به نیازمندان است، زکات می‌باشد. این نهاد را اگر از زاویه پرداخت کنندگان آن بنگریم بعد بین فردی تأمین اجتماعی را تأمین می‌کند و اگر از زاویه محل مصرف و تکلیف دولت به هزینه کردن در موارد مشخص بنگریم به بعد عمومی آن ارتباط می‌یابد؛ به عبارتی از طرفی مردم موظفند بر اساس نصاب‌های شرعی، زکات بپردازند و از طرف مقابل دولت موظف است آن را در راه رسیدگی به نیازمندان جامعه هزینه کند.

۲-۳-۱-۲. خمس

یکی از درآمدهای شرعی خمس است که ۲۰٪ درآمدهای مازاد بر مصرف افراد را دربر می‌گیرد و حداقل نیمی از آن باید در اختیار سرپرستان جامعه اسلامی قرار گیرد هرچند

نیم دیگر آن نیز مصرف نیازهای بخش خاصی از افراد نیازمند جامعه (یعنی سادات) می‌شود و در مجموع، بودجه‌ای برای مقاصد تأمین اجتماعی و حمایت از اهداف آن است. (قابل، ۱۳۸۳: ۲۹۱)

خمس در فقه شیعه به هفت عنوان تعلق می‌گیرد؛ غنیمت‌های جنگی، معادن، اشیای گرانبهایی که با غواصی یافت می‌شوند، درآمد مازاد بر مخارج سالیانه، گنج، مال حلال مخلوط به حرام و زمینی که از غیرمسلمان به مسلمان، منتقل شده باشد. (عاملی "شهیدثانی"، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۷۲-۶۳)

یکی از ویژگی‌های خمس آن است که تعلق به حکومت اسلامی دارد در حالیکه زکات متعلق به جامعه اسلامی است و به تعبیر دیگر درآمد زکات از آن مردم و درآمد خمس از آن حکومت است. در درآمدهایی که تعلق به حکومت اسلامی دارد، دست دولت تا حد زیادی باز است و می‌تواند آن را صرف هزینه‌های مختلفی کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱: ۱۳ و ۱۲) که از جمله آنها می‌تواند مصارف اجتماعی و رسیدگی به نیازمندان باشد.

علاوه بر آنکه نیمی از مبالغی که تحت عنوان خمس پرداخت می‌شوند، مصرف مشخصی دارند و آن رسیدگی به امور سادات نیازمند است، همچنین با توجه به ویژگی یادشده که دست دولت در مصرف خمس نسبت به زکات بازتر است و با توجه به اینکه رسیدگی به اهداف مورد نظر تأمین اجتماعی از وظایف خطیر دولت اسلامی است، می‌توان خمس را نیز در کنار زکات محل تا مین منابع مالی تأمین اجتماعی قلمداد کرد.

۲-۳-۲. راهکارهای غیرالزامی

راهکارهای غیرالزامی ناظر است بر مبالغی که نه بر اساس وجوب و تکلیف شرعی بلکه بر اساس مقتضیات اخلاقی و انسانی از طرف شهروندان به هم‌نوعان آسیب پذیر و محتاج خود در جامعه اسلامی پرداخت می‌شود و توجه به آن بسیار مورد تاکید قرار گرفته است.

این وجوهات را می‌توان تحت عنوان کلی احسان، انفاق و صدقه مطالعه کرد. یکی از بزرگترین اموری که اسلام در یکی از دو رکن حقوق الناس و حقوق الله مورد اهتمام قرار داده و به طرق و انحاء گوناگون، مردم را بدان وادار می‌سازد، انفاق است. تعدیل ثروت‌ها، کم کردن فاصله طبقاتی، ایجاد برادری بین مسلمین و ... علل و اهداف تاکید شدید نسبت به انفاق است و غرضش این بوده که بدینوسیله طبقات پائین را که نمی‌توانند بدون کمک مالی از ناحیه دیگران حوائج زندگی خود را برآورند مورد حمایت قرار داده تا سطح زندگیشان را بالا ببرند، تا افق زندگی طبقات مختلف را به هم نزدیک ساخته و اختلاف میان آنها را از جهت ثروت و نعمات مادی کم کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴،

ج ۴: ۵۸۷ و ۵۸۸)

قرآن کریم در آیه ۹۲ سوره آل عمران، تکلیف عمومی افراد جامعه به انفاق را متذکر می‌شود و با لحنی بسیار قاطع می‌فرماید:
« هرگز به مرتبه نیکوکاری نخواهید رسید؛ تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق می‌کنید قطعاً خدا بدان آگاه است.»
همچنین در آیه ۱۷۷ سوره بقره آمده است:

« نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را مصروف آن سازید؛) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند؛ نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود- به هنگامی که عهد بستند- وفا می‌کنند؛ و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند؛ اینها کسانی هستند که راست می‌گویند؛ و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است)؛ و اینها هستند پرهیزکاران!»
آیه ۱۹ سوره ذاریات نیز بر این حق برای شهروندان جامعه اسلامی تاکید شده و آمده است:

« وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ؛ و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود!»
حضرت امیر در خطبه ۱۲۹ نهج البلاغه عواقب فراموشی این تکلیف الهی را یادآور شده و می‌فرمایند:
«در روزگاری هستید که خوبی به آن پشت کرده و می‌گذرد، و بدی بدان روی آورده، پیش می‌تازد و طمع شیطان در هلاکت مردم بیشتر می‌گردد. هم اکنون روزگاری است که ساز و برگ شیطان تقویت شده، نیرنگ و فریبش همگانی، و به دست آوردن شکار برای او آسان است. به هر سو می‌خواهی نگاه کن! آیا جز فقیری می‌بینی که با فقر دست و پنجه نرم می‌کند؟ یا ثروتمندی که نعمت خدا را کفران کرده و با بخل ورزیدن در اداء حقوق الهی، ثروت فراوانی گرد آورده است.»

۲-۳-۳. راهکارهای موقت و مقطعی

منابع موقت، منابعی هستند که پرداخت آنها گاهی و به مناسبت رخ می‌دهد اما با این حال می‌توانند یا مستقیماً به تحقق تأمین اجتماعی منجر گردند و یا غیر مستقیم منبع تأمین بیت المال برای مخارج مذکور باشند.

استراتژی اسلام در ریشه کردن فقر، مستمر و دائمی است یعنی هم در راهکارهای الزامی و هم در راهکارهای غیرالزامی، مهم استمرار عمل است تا بتوان به آنها به دیده منابع مالی نگرست و بر اساس آنها برنامه‌ریزی‌های بلندمدت کرد اما منابع موقت، موقت خوانده می‌شوند چراکه مقطعی هستند؛ به واسطه‌ای بوجود می‌آیند و الزام به پرداخت آنها با از بین رفتن موضوع و مقطع زمانی از بین می‌رود. کفارات، وقف، وصیت، جزیه، خراج و امثال این‌ها را می‌توان از منابع موقت برای تأمین بیت المال دولت اسلامی نام برد.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که در الگوی اسلامی تأمین اجتماعی، گره زدن منابع تأمین مالی با وظایف و تکالیف دینی و شرعی واجد این پیامد مهم است که تأمین مالی این نظام هرگز معطل نخواهد ماند چراکه حتی اگر دولت‌ها به تکلیف خود در زمینه جمع آوری وجوهات و هزینه کردن در محل خود اقدام نکنند بازهم چیزی از تکلیف شهروندان کاسته نمی‌شود و آنها همچنان موظف خواهند بود طبق تکلیف شرعی این وجوهات را بپردازند و در صورت فقدان دولت یا ناکارآمد بودن آن نهادهای دیگری همچون مرجعیت وظیفه جمع آوری و هزینه این وجوهات را انجام خواهند داد.

۱۱۱

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

ماهیت حق بر تأمین اجتماعی در اسلام
زهرا میرزایی و همکار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

الگوی اسلامی برای تأمین اجتماعی با الگوهای متداول مورد استفاده در کشورهای جهان تفاوت‌هایی دارد که اساساً ماهیت آن را متمایز می‌سازد. در مدلی که اسلام برای تأمین اجتماعی ارائه می‌کند حق بر تأمین اجتماعی دارای ماهیتی دوگانه است؛ حقی است برای شهروندان که مکلف به ایفای این حق از طرفی دولت و از طرفی سایر شهروندان جامعه اسلامی هستند. همین تفاوت، ماهیت تأمین اجتماعی را متمایز ساخته و آنرا به نوعی از حق، تبدیل می‌سازد که در نظام‌های حقوقی امکان پیاده سازی و تجربه آن بدین شکل وجود ندارد و ابتکار این مدل در انحصار الگوی اسلامی است.

تمایز اساسی دیگر الگوی اسلامی تأمین اجتماعی، روش تأمین منابع، در این نظام است. تأمین منابع در جامعه اسلامی بصورت درون‌زا شکل می‌گیرد و این شهروندان هستند که بخش اصلی این منابع را از طریق وجوهات شرعی و مسئولیتهای اجتماعی و مدنی در برابر هم نوعان تأمین می‌نمایند و نکته مهم در این مدل آنست که پیوند این وجوهات با تکالیف شرعی مسلمانان موجب می‌شود که این نظام با خلا منبع مواجه نشود و حتی در مورد فقدان دولت‌های اسلامی و وظیفه شناس، این نظام کارایی خود را از دست ندهد. الگویی که اسلام برای تأمین اجتماعی معرفی می‌کند می‌تواند مدلی بی‌بدیل از نظام رفاه و تأمین اجتماعی باشد به شرط آنکه اولاً مقدمات اجتماعی آن همچون همبستگی اجتماعی میان مردم و شکل‌گیری احساس مسئولیت‌پذیری در تک تک افراد جامعه به درستی و کمال شکل گرفته و ثانیاً شهروندان جامعه اسلامی به وظایف مالی شرعی و اخلاقی خود پایبند باشند. در واقع قوام و دوام این نظام مبتنی است بر رشد و کمال دینی افراد جامعه به علاوه وجود دولتی اسلامی که به وظایف اجتماعی خود در برابر مردم به عنوان عیال الله آگاهی داشته باشد و به عنوان حقوق‌ناس (توده مردم) برای تأمین آن کوشش نماید.

یادداشت‌ها

۱. نام سرزمینی است در جنوب عربستان.
۲. این شعر منسوب است به حاتم طایی.
۳. رجوع شود به: عاملی، محمد بن مکی "شهید اول" (۱۴۱۰ق)، اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه، لبنان: دار التراث - الدار الاسلامیه، چاپ اول، ص ۵۳ به بعد.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشهور، چاپ اول.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه (۱۳۸۰)، *دانشنامه امام علی (ع)*، زیر نظر علی اکبر رشاد، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، جلد ۵.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۲)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم، جلد هیجدهم.
- حکیمی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹)، *الحیاه*، قم: انتشارات دلیل ما، چاپ دوم.
- صدر، محمدباقر (۱۳۶۰)، *اقتصاد ما*، ترجمه ع. اسپهبدی، قم: انتشارات اسلامی، جلد دوم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، جلد چهارم.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ اول.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹)، *فقه سیاسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد هفتم.
- قابل، احم د (۱۳۸۳)، *اسلام و تأمین اجتماعی*، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول.
- قاری سیدفاطمی، محمد (۱۳۸۹)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، جلد دوم.

- هاشمی، محمد (۱۳۹۱)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: نشر میزان، چاپ دوم.
- پناهی، بهرام (۱۳۷۶)، «فرآیند عملیاتی نظام تأمین اجتماعی»، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، شماره ۱، ص ۹۱-۱۰۶.
- حاج حسینی، حسن (۱۳۸۸)، «درآمدی بر مبانی تکافل و تأمین اجتماعی در اسلام»، *نشریه معرفت*، شماره ۱۳۹، ص ۵۵-۶۸.
- حسامی، فاضل (۱۳۹۰)، «همبستگی اجتماعی در قرآن»، *نشریه معرفت فرهنگی و اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۸، ص ۲۹-۴۸.
- شعبانی، احمد (۱۳۷۵)، «تحلیلی پیرامون زکات؛ زکات یا مالیات کدامیک؟»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)*، سال اول، شماره ۳، ص ۱۱۵-۱۵۰.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۱)، «فلسفه خمس و ابعاد آن»، *نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام*، سال ۲۲، شماره ۱۲، ص ۱۱-۱۵.
- موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۰)، «بررسی مبانی حقوق اجتماعی»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۱، شماره ۲، ص ۴۹-۷۶.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۴)، «تأمین اجتماعی در حقوق بشر و حقوق اساسی»، *مجموعه مقالات همایش تبیین جایگاه حقوق تأمین اجتماعی*، انتشارات آتیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا (ع)*، تهران: نشر جهان، چاپ اول، جلد ۱.
- (۱۳۸۰)، *علل الشرایع*، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، قم: انتشارات مومنین، چاپ اول، جلد یکم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول صلی ... علیه و آله*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، قم.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۸۱م)، *صحیح البخاری*، دارالفکر، بی‌جا.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، جلد شانزدهم.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم: نشر الشریف ارضی، چاپ اول، جلد اول.
- عاملی، محمد بن مکی "شهید اول" (۱۴۱۰ق)، *اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه*، لبنان: دارالتراث - الدار الاسلامیه، چاپ اول.

- عاملی، زین‌الدین بن علی "شهید ثانی" (۱۴۱۰ق)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول، جلد دوم.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ چهارم، جلد دوم و هشتم.

- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، *الامالی*، قم: نشر کنگره شیخ مفید قم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۱۶
دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

سال چهارم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹۴